

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳ شماره ۴۰ بهار و تابستان ۱۴۰۰ (صص ۱۲۰-۱۰۳)

بازتاب ادب تعلیمی در شعر غنی کشمیری و شاپور تهرانی

۱- احمد بومری ۲- عبدالله واثق عباسی ۳- محمدمیر مشهدی

چکیده

ادبیات تعلیمی هماهنگ‌ترین نوع ادبی با اخلاق است و به عنوان یکی از گسترده‌ترین گونه‌های ادب فارسی، عرصه مضمون‌پردازی بزرگترین شعرا و نویسندگان اخلاق‌گرا در هر عصر وزمانی است. شاعران سبک هندی نیز در ترویج فضایل و نهی از رذایل اخلاقی مؤثر بوده‌اند. علاوه بر آن بازشناسی شاعران زبان و ادب فارسی در شبه قاره و نیز بازکاوی شعر و اندیشه آنان از اهمیت خاص برخوردار است. از این روی این پژوهش با شیوه توصیفی-تحلیلی بر آن است تا مضامین ادب تعلیمی را در شعر شاپور تهرانی و غنی کشمیری مورد بررسی و مقایسه قرار دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که هر دو شاعر از طریق اشعار خود توانسته‌اند اهمیت مفاهیم تعلیمی مورد نظر خود را به مخاطبان انتقال دهند؛ اما شاپور تهرانی درصد فراوانی بیش‌تری را در سه زمینه مضامین اخلاقی، عرفانی و فلسفی به خود اختصاص داده است و ظریف‌ترین نکات اخلاقی را مطرح می‌کند که امروزه می‌توان آنها را به عنوان معیارهای اساسی توسعه اخلاقی در جوامع بشری برشمرد. همچنین هر دو شعر را وسیله‌ای قرار داده‌اند، تا انسان‌ها را به سوی سعادت و بیداری وجدان فرا بخوانند. سوال اصلی تحقیق آن است که غنی کشمیری و شاپور تهرانی تا چه اندازه در آثار خود به بیان آموزه‌های اخلاقی و تربیتی پرداخته‌اند؟

کلید واژه‌ها: ادبیات تعلیمی، مضامین اخلاقی و عرفانی، شاپور تهرانی، غنی کشمیری.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول) Email: vacegh@Lihu.usb.ac.ir

۳- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

۱- مقدمه

ادبیات تعلیمی (literature didactic) نوشته هایی است که هدفشان آموزش چیزی به خواننده یا مخاطب است بنابراین تعریف تمام نوشته های دینی، اخلاقی، حکمی، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، علمی، پندنامه و حتی متونی که به آموزش شاخه ایاز علوم، فنون یا مهارت‌ها می پردازند، ادبیات تعلیمی هستند. در چشم اندازی گسترده میتوان گفت هر اثر هنری درسی به خواننده یا مخاطب خویش می دهد و از این رو خود آموزگار است. در بیان کارکردهای ادبیات باید گفت رویکرد کارکردگرایی برفایده گرایی استوار است. بدین معنی که هر کاری که انسان انجام می دهد برای فایده ای است که در زندگی او دارد و ادبیات نیز تا زمانی که برای فرد یا جامعه سودمند باشد و بخشی از نیازهای آن ها را برآورده سازد، ماندگار خواهد شد. در ادامه بررسی کارکردهای ادبیات باید به تقسیم بندی های گوناگون آن توجه کرد مثلاً کارکردها گاهی آشکار و گاهی پنهانند. توجه به کارکردهای آشکار که معمولاً به صورت عملکرد مستقیم جلوه می کند، نباید مارا از توجه به عملکردهای غیرمستقیم ادبیات غافل کند. تعلیم و آموزش اخلاق و فرهنگ از جمله کارکردهای ادبیات است. تا جایی که برخی آن را کارکرد اصلی ادبیات دانسته اند؛ البته کارکرد اخلاقی آن در ادبیات کلاسیک فارسی پررنگ تر بوده است اما در دوره معاصر به دلیل تغییر شرایط، انتظارات جدیدتر و فرصتهای تازه تری در اختیار ادبیات تعلیمی قرار گرفته است (رضی، ۱۳۹۱: ۱۰۹). یکی از گسترده ترین و دراز آهنگ ترین مباحث ادب فارسی، ادبیات تعلیمی است که هدف اصلی آن، تشریح و تبیین مسایل اخلاقی، حکمی و مضامین پند و اندرز است.

تدوین آثار تعلیمی از زمانهای قدیم رواج داشته است. منظومه لوکرتیوس شاعر و فیلسوف رومی که تاریخ نگارش آن به یک قرن قبل از میلاد برمی گردد، نمونه ای است از آثار ادبی-تعلیمی موجود در آن زمان. در تاریخ ادبیات غرب (اروپا) از این گونه آثار را می توان به وفور مشاهده کرد. آثاری که هر کدام در زمینه آموزش موضوعات مختلف فلسفی، دینی، علمی و... از نقش قابل توجهی برخوردارند (شمیسا، ۱۳۸۱: ۲۶۹). از زمانی که افلاطون شاعران را از مدینه فاصله طرد کرد این مباحث در تاریخ ادبیات شروع شد و از آن زمان تا امروز نظریات مختلفی درباره ارتباط بین شعر و تعلیم و آموزش اظهار شده است؛ عده ای وصف تعلیمی را برای شعرهایی که جنبه آموزشی دارند به صورت تحقیق آمیز به کار می برند. با این حال در میان

شاهکارهای بزرگ دنیا با آثاری مواجه می‌شویم که علاوه بر ارزش هنری دارای جنبه آموزشی و تعلیمی نیز هستند مانند کمدی الهی دانته (حسینی کازرونی و همکار؛ ۱۳۹۴: ۶). ادب فارسی، هیچگاه از نوع شعر تعلیمی تهی نبوده است. از قرن سوم و از شعر حنظله بادغیسی نمونه‌های برجسته شعر تعلیمی در ادب ما دیده می‌شود، امثال و حکمی که از عصر ساسانی به جای مانده نیز نمونه‌هایی از ادب تعلیمی و حتی شعر تعلیمی می‌تواند به شمار آیند. با ظهور تصوف، شعر تعلیمی فارسی، صبغه‌ای دیگر به خود می‌گیرد و با تحولات اجتماع هر روز نوع تعالیم تغییراتی می‌یابد اما هسته اصلی ثابت است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۰۰-۹۹) به نظر می‌رسد که شاعران فارسی زبان در سرودن شعر تعلیمی متأثر از اندرزنامه‌هایی باشند که قبل از اسلام در دوران ساسانیان نوشته شده بود. آفرین‌نامه اثر بوشکور بلخی و کلیله و دمنه منظوم رودکی از قدیم‌ترین منظومه‌های تعلیمی هستند که در زبان فارسی دری به جا مانده‌اند؛ اما، نخستین اثر منظوم و مستقل فارسی در اخلاق، پندنامه نوشیروان ساسانی است که بدایعی بلخی، معاصر سلطان مسعود، آن را سروده است. در قرن پنجم، ناصر خسرو و سنایی با سرودن قصاید طولانی در وعظ و حکمت، زهد و مثل و بیان اعتقادات دینی و انتقادهای سخت اجتماعی از مشهورترین شاعران، در قلمرو شعر تعلیمی هستند. حدیقه الحقیقه سنایی، مخزن الاسرار نظامی، مثنوی مولوی و بوستان سعدی از زیباترین و پرمعناترین اشعار تعلیمی می‌باشند که در آنها از داستان و حکایت و تمثیل برای بیان مفهوم استفاده شده و به شیوه پند و اندرز غیرمستقیم هستند. (حسینی کازرونی و همکار؛ ۱۳۹۴: ۶)

۱-۱- بیان مساله و سوال تحقیق

تشویق و تهییج مردم به اخلاق حسنه و عمل صالح و پرهیز از ناهنجاری‌های اخلاقی در عرصه‌های مختلف از وظائف مهم شعر تعلیمی است. تحقیق درباره مبانی تعلیمی شعر شاعران سبک هندی می‌تواند در ترویج فضایل و از بین بردن رذایل اخلاقی بسیار مؤثر باشد، به خصوص که شاعران این دوره با نکته سنجی و سخن‌دانی و مضمون‌آفرینی توانسته‌اند علل بیماری‌های اخلاقی و روش مبارزه با رذایل را مورد بحث قرار دهند و آرمان‌های اخلاقی را چون چراغی فرا راه زندگی مردم بگذارند و راه و رسم آداب اجتماعی را بیاموزند. به طور کلی شعر سبک هندی شعری معناگراست و بیش تر به مضمون می‌پردازد و به مایه‌های اخلاقی و عرفانی که در همه مذاهب معمول بوده است؛ توجه دارد. همچنین شعر این دوره در یک نگاه کلی شعر تعلیمی

است، پند و اندرز می دهد و ترغیب اخلاقی می کند. همه شاعران سبک هندی در شعر خود کمابیش به مضامین تعلیمی پرداخته و به موضوعاتی چون: بی ثباتی جهان، مذمت دروغ، حسد، تکبر و... اشاره کرده اند. در این پژوهش مضامین تعلیمی شعر شاپور تهرانی و غنی کشمیری به شیوه عالمانه و انتقادی مورد مذاقه قرار گرفته است. سوال اصلی تحقیق آن است که غنی کشمیری و شاپور تهرانی تا چه اندازه و چگونه در آثار خود به بیان آموزه های اخلاقی و تربیتی پرداخته اند؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی مقاله نشان دادن نقش و جایگاه ادب تعلیمی در شعر غنی کشمیری و شاپور تهرانی می باشد.

۳-۱- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به طور کلی به شیوه توصیفی و تحلیلی است و در جمع آوری اطلاعات از ابزار کتابخانه ای استفاده شده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

در زمینه ادبیات تعلیمی تاکنون مقاله ها و کتاب های مختلفی نگاشته شده است که از جمله آن ها به موارد زیر اشاره می شود:

کتاب جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران تألیف مریم مشرف (۱۳۸۹): در این کتاب بخشی از آثار تعلیمی تحلیل شده است. کتاب ادبیات تعلیمی (تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی و غزالی) تألیف علی سیدطاهرالدینی (۱۳۹۳): نگارنده در این کتاب دیدگاه ها و روش های امام محمد غزالی و سعدی شیرازی را درباره تعلیم و تربیت، جامعه و حقوق بین فردی، و روابط و مناسبات اجتماعی مطرح می نماید. «آموزه های تعلیمی در منظومه غنایی محب و محبوب» از احمد رضا یلمه ها (۱۳۹۰): که نویسنده این مقاله برای نخستین بار به مایه ها و زمینه های تعلیمی و اخلاقی در این منظومه غنایی می پردازد. «شعر تعلیمی در منظومه های عطار» از محمدرضا صرفی و مهسا اسفندیاری (۱۳۹۰): این پژوهش به بررسی شعر تعلیمی و جایگاه آن در مثنوی های عطار پرداخته است. «کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی» از احمد رضی (۱۳۹۱): نویسنده در این مقاله ضمن یادآوری کارکردهای ادبیات در دوره معاصر، ادبیات تعلیمی را از نگاه کارکردی مورد بررسی قرار

داده است. «واکاوی نگاره‌ای تعلیمی و تربیتی تشویق و تنبیه در آثار سعدی» از مهدی ممتحن (۱۳۹۱): نویسنده این مقاله به بررسی دو اصل تشویق و تنبیه که از بن‌لایه‌ها و اساس تعلیم و تربیت هستند، در آثار سعدی پرداخته است. «بررسی اشعار تعلیمی و غنایی در آثار شاعران معاصر تاجیکستان» از غلام عباس نفیسی (۱۳۹۱): نویسنده این پژوهش تعلیم و تربیت در شعر معاصر تاجیکستان را با بررسی اشعار مطرح شاعران این سرزمین مورد بررسی قرار داده است. «بررسی اشعار تعلیمی کودک و نوجوان در ادبیات معاصر» از محمود صادق‌زاده (۱۳۹۲): در این مقاله جنبه‌های گوناگون ادبیات تعلیمی و موضوعات اجتماعی شعر کودک و نوجوان از دوره‌ی مشروطه تا امروز بررسی شده است. «آموزه‌های زهدی و اخلاقی در شعر قرن چهارم با تکیه بر اشعار کسایی» از ابوالقاسم امیر احمدی و سعید روزبهانی (۱۳۹۳): در این مقاله نوع تعلیمات اخلاقی صرف و اسلامی و میزان بسامد فضایل و رذایل اخلاقی در شعر شاعران قرن چهارم به خصوص ابوشکور بلخی و کسایی بیان شده است. «بازتاب ادبیات تعلیمی در شعر بهار» از غلامحسین ملایی (۱۳۹۳): نویسنده این مقاله به بررسی نمود تعلیم و تربیت در اشعار ملک‌الشعرای بهار پرداخته است. «نگاهی به برخی آموزه‌های اخلاقی - تعلیمی شهریار» از تورج عقداپی و حسین آریان (۱۳۹۴): این مقاله به بررسی و تحلیل مضامین تربیتی به کار رفته در آثار شهریار می‌پردازد. «آموزه‌های ادب تعلیمی در پریشان قآنی» از عبدالعلی اویسی و حسین صادقی (۱۳۹۴): نویسنده در این مقاله به بررسی آموزه‌های تعلیمی کتاب پریشان پرداخته و ساخت معنایی دوگانه حکایت‌ها و پندها را بررسی نموده است. «بررسی آموزه‌های اخلاقی در شعر صائب تبریزی» نگارش فریده نیکزاد (۱۳۹۴): نویسنده این پژوهش در جلد ۴ و ۵ رساله خود نگاهی به نکات اخلاقی و تعلیمی شعر صائب دارد. «آموزه‌های اخلاقی عرفانی غزلیات بیدل» نگارش فرحناز قلعه‌عبادی (۱۳۹۴): در این پژوهش نویسنده تسلط و توجه ویژه شاعر را بر عرفان و آموزه‌های عرفانی به اثبات می‌رساند. «مبانی اخلاقی در دیوان صائب تبریزی» محمد صادق خادمی (۱۳۹۲): نویسنده در این پژوهش به بازتاب جنبه‌های ریا و نفاق زاهدان ریایی به عنوان یک خصیصه ناهنجار اخلاقی به روش توصیفی - تحلیلی با ذکر شواهدی از اشعار صائب می‌پردازد.

۲- بحث اصلی

۲-۱- بررسی مؤلفه‌های ادب تعلیمی در شعر شاعران سبک هندی

در این پژوهش مؤلفه‌های ادب تعلیمی در سه دسته؛ تعلیمی- عرفانی، وعظی- اخلاقی و فلسفی تقسیم بندی شده است.

۲-۱-۱- مضامین وعظی - اخلاقی

اخلاق به عنوان یکی از ارکان اساسی تربیت به شمار می آید. «در گذشته انسانی را دارای تربیت می دانستند که فضایل اخلاقی در او به صورت خوی و ملکه درآمده باشد.» (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۳) بنابراین اخلاق مجموعه ای از ملکات نفسانی است که یکی از ثمرات تربیت به شمار می رود، بر این اساس تربیت را فعلی دانسته اند که حاصل و نتیجه آن اخلاق است. «اخلاق خود نوعی تربیت است، تربیت مفهوم پرورش یافتن را می رساند، مفهوم مطلقاً دارد اما در اخلاق نوعی قداست نهاده شده است.» (همان: ۶۱). نقش و اهمیت مکارم اخلاق در تعالی انسان ها بر هیچ کس پوشیده نیست. همچنان که پیامبر بزرگ اسلام هدف از بعثت خود را تتمیم مکارم اخلاق معرفی می کند «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق». (مجلسی، ۱۳۳۵، ج ۷۰: ۲۷۳) و در قرآن درباره ایشان هیچ توصیفی برتر از این که دارای اخلاقی عظیم هستند «انک لعلی خلق عظیم» (قلم/ ۴) نیامده است. در شعر شاعران سبک هندی نیز ادب تعلیمی و اخلاق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

الف- در شعر شاپور تهرانی، ادب تعلیمی شامل موارد ذیل می‌گردد: قناعت نمودن، مذمت ریاکاری، دوری از حرص و طمع، دوری از خطا، گوشه نشینی، سکوت و خاموشی به جا، دعوت به آگاهی، دوری از گناه، پرهیز از بدگویی، دوری از بیهوده سخن گفتن، پرهیز از مردم آزاری. که بسامد هر یک در دیوان وی به ترتیب ذیل می‌باشد: مضامین اخلاقی دیوان شاپور تهرانی شامل دو دسته مضامین ترغیب کننده به صفات نیک و بازدارنده از صفات قبیح بشری می‌شود:

مضامین ترغیب کننده به صفات نیک در دیوان شاپور تهرانی

۱۰	خاموشی	۱۱	دعوت به آگاهی	۲۰	قناعت نمودن
۱	توکل	۲۱	مناعت طبع	۹	گوشه نشینی
		۷۳	جمع کل	۱	توبه

مضامین بازدارنده از صفات قبیح در دیوان شاپور تهرانی

۲	دوری از بیهوده سخن گفتن	۸	دوری از حرص و طمع	۱۷	مذمت ریاکاری
۶	دوری از تملق	۷	پرهیز از مردم آزاری	۱۷	دوری از خطا
		۴	پرهیز از بدگویی	۱۵	دوری از گناه

به عنوان نمونه یکی از فضایل و صفات نیک بشری، قناعت است. قناعت در لغت، «راضی شدن به اندک چیز» است (رامپوری، ۱۳۶۳، ذیل قناعت) و در اصطلاح «قناعت آن بود که نفس آسان بگیرد امور مآکل، مشارب و ملبس و غیر آن، و رضا دهد به آنچه سد خلل کند از هر جنس که اتفاق بیفتد.» (طوسی، ۱۳۶۴: ۱۱۴) در شعر شاپور تهرانی، مفاهیم تشکیل دهنده قناعت شامل مواردی همچون؛ رضایت و خرسندی از آنچه پروردگار هستی برای انسان مقرر کرده است می باشد: «راضی ام من از جهان قناعت به کشت و کار» (شاپور تهرانی، ۱۳۸۲: ۵۱۱)، دادگری، قانع بودن به داشته ها: «از گل به بویی قانعم گر مانع نظاره‌ای / چشمم ببند ای باغبان بگشا در گلزار خود» (همان: ۳۷۲) اجتناب از مقایسه خود و فراستان: «گر دیده‌ام ز گریه حسرت شود تباه / در چشمم آرزو نکشم توتیای کس» (همان: ۴۰۵)، پرهیز از غصه و ناراحتی و به طور کلی دارا بودن روحیه تساهل و آسان گیری و شادمانی در زندگی همچنین زیر بار منت دیگران نرفتن: «ما خود پلاس خویش به اطلس نمی‌دهیم / بودن در این لباس ملبس غنیمت است» (همان: ۱۸۷) و «دل ز پهلوی خویشتن خوردن / به که بر خوان ناکسان بودن» (همان: ۴۶۶)؛ فارغ بودن از حرص و مال دنیا: «از شغل عقبی فارغم وز حرص دنیایی بری» (همان: ۴۲۶) می‌شود و باز به عنوان نمونه یکی از صفات قبیح که در دیوان شاپور تهرانی مطرح شده ریاکاری است. ریا نقطه مقابل اخلاص و یکی از گناهان کبیره‌ای است که مایه هلاکت انسان و شقاوت ابدی اوست. ریا فضایل اخلاقی را زایل و وسیله نابودی اعمال و فرو افتادن در جهنم است. و ریشه آن را باید در حب جاه و دنیا طلبی جست. ریاکاری انسان را از توجه به محتوی و حقیقت عمل باز می‌دارد و اعمال را پوشالی و خالی از محتوا می‌گرداند همچنین ریا از ابزار کارساز شیطان برای گمراهی آدمی است. شاپور تهرانی نیز ضمن ابیاتی ریا را نکوهش می‌کند. در بیت زیر وی با لحنی آمیخته با طنز، فراوانی زهد آمیخته به ریا در میان مردم را یادآوری می‌کند و نشان می‌دهد که زندگی مادی

و معنوی مردم با ریا عجین و آغشته است و این امر آنان را از رستگاری و سعادت دو دنیا دور می‌کند.

ز بس زهد و ریا در معرض بیع و شری آری به روز جمعه مسجد جمعه بازار است پنداری (همان: ۴۸۸)

یا در بیت زیر که ریاکاری را عامل آسیب به هم نوع می‌داند:

از نفاق خاک پشت و پهلوی هم بشکنند گر نهی بر روی هم خستی دو زین ویرانه را (همان: ۱۶۰)

ب- در شعر غنی کشمیری مضامین اخلاقی شامل موارد ذیل می‌گردد: قناعت نمودن، مذمت دل شکستن، پرهیز از ریاکاری، سرکشی و تملق، توصیه به گوشه نشینی، خاکساری و فروتنی، سخن گفتن به نرمی، بر حذر بودن از دشمن و مکر او، سکوت کردن، تواضع، دینداری، توکل، دوری از گناه، پرهیز از مردم آزاری؛ همچنین مضامین اخلاقی دیوان غنی کشمیری نیز شامل دو دسته مضامین ترغیب کننده به صفات نیک و بازدارنده از رذایل می‌شود که بسامد هر یک در دیوان اشعار وی به ترتیب ذیل می‌باشد:

مضامین ترغیب کننده به صفات نیک در دیوان غنی کشمیری

قناعت نمودن	۵۲	سخن گفتن به نرمی	۱۰	سکوت	۱۰
گوشه نشینی	۷	خاکساری و فروتنی	۶	توکل، فروتنی، دینداری	۸
جمع کل	۹۳				

مضامین بازدارنده از رذایل در دیوان غنی کشمیری

دوری از گناه	۲۰	مذمت ریا	۱۲	بر حذر بودن از دشمن	۱۰
پرهیز از مردم آزاری	۶	مذمت سرکشی	۶	پرهیز از دل شکستن	۱
دوری از تملق	۷	جمع کل موارد مذکور	۶۲		

به عنوان نمونه یکی از فضایل و صفات نیک بشری، مدارا و نرمی است که در لغت به معنی «آهستگی، نرمی، رفق، مماشات» است. (دهخدا، ۱۳۶۱، ذیل مدارا) و در اصطلاح «مدارا

عبارت از آن است که ناگواری از کسی به تو رسد، متحمل شوی و به روی خود نیاوری و آن از جمله صفاتی است که آدمی را در دنیا و آخرت به مراتب بلند و درجات ارجمند می‌رساند.» (نراقی، ۱۳۷۳: ۱۸۸)

غنی کشمیری در ضمن اشعار خود به فواید این صفت اشاره می‌کند. یکی از فواید مدارا و نرمی را آشنایی می‌داند:

به لفظ چرب و نرمی روغنی هست کزو روشن چراغ آشنایی است
(غنی کشمیری، ۱۳۶۲: ۴۱)

غنی، نرمی را عاملی برای شهرت می‌داند:

گر تن دهی به نرمی گردد بلند نامت مانند نقش خاتم کز موم سر بر آرد
(همان: ۶۳)

وی معتقد است با نرمی می‌توان دشمن خود را رام ساخت؛ یعنی با زبان خوش و نرمی و ملایمت در گفتار بهتر می‌توان به مقصود رسید تا با تندى و خشونت. که این بیان او به همان مثل معروف «زبان خوش، مار را از سوراخ بیرون می‌آورد» اشاره دارد:

توان از چرب و نرمی کرد اسیر خویش سرکش را که تار شمع دائم شعله را زنجیر پا باشد
(همان: ۸۰)

و در برابر تیغ زبان، ملایمت و نرمی را تنها سپر می‌داند:

وضع ملایم بود تیغ زبان را سپر تیره نسازد نفس آینه آب را
(همان: ۳۱)

ملایم می‌شود در گفتگو هرکس که کامل شد که دایم پنبه باشد در دهن مینای پر می‌را
(همان: ۳۳)

در شعر غنی کشمیری نیز ریا مورد انتقاد قرار گرفته است.

غنی انسان ریاکار را مانند زاهد خشک مسلکی می‌داند که دوام و پایداری ندارد و زود تباه

می‌شود:

بازار نمد پوشی ارباب ریا گرم است گر امروز نباشد فردا
 زاهد که ز بوریا بدعوی برخاست چون شعله خس زود نشیند از پا
 (همان:۱۶۸)

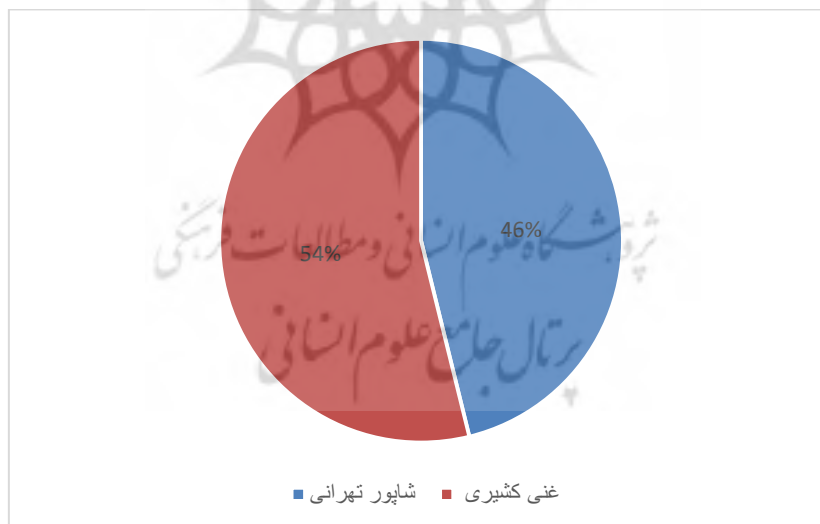
غنی معتقد است افراد ریاکار از فهم دین عاجز و ناتوانند:

کجا اهل ریا را آگهی از درد دین باشد که خوانند از پی فوت نماز این قوم یاسین را
 (همان:۱۲)

وی معتقد است افراد ریاکار، انسان‌های سر درگمی هستند که هیچ گاه به هدف غایی و نهایی
 واصل نمی‌شوند:

هر چند که در کوچه تزویر دویدیم چون مهره تسبیح به جانی نرسیدیم
 (همان:۱۳۴)

بسامه مضامین و عطفی - اخلاقی در شعر غنی کشمیری و شاپور تهرانی



نتیجه اینکه هم غنی کشمیری و هم شاپور تهرانی مضامین اخلاقی خود را حول مولفه‌های
 مشترکی سروده‌اند.

۲-۲- مضامین تعلیمی - عرفانی

شعر عرفانی را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن جنبه‌های تعلیمی آن بررسی کرد و آمیختگی این دو نوع به علت سرشت و هدفشان امری بدیهی است. شعر تعلیمی- عرفانی بخش عظیمی از میراث ادب عرفانی ماست که قصد نخستین شاعر در آن‌ها تعلیم همراه با لذت است (زرقانی، ۱۳۸۸: ۹۶).

الف- در شعر شاپور تهرانی مضامین عرفانی شامل احسان، پاکی روح و مهر ورزی می‌شود.

بسامد این موارد در دیوان اشعار وی به شرح ذیل می‌باشد:

مضامین عرفانی در شعر شاپور تهرانی

۷۲	جمع کل موارد مذکور	۱۱	پاکی روح	۲۶	محبت ورزی	۳۸	احسان
----	-----------------------	----	-------------	----	--------------	----	-------

به مهر ورزی در اشعار وی تأکید فراوانی شده است:

حسن از تمکین نموگیرد محبت ز اضطراب تا جوانی گشت یوسف صد زلیخا پیر شد
(شاپور تهرانی، ۱۳۸۲: ۳۳۵)

وی معتقد است محبت و عشق در پی تلاطم‌های روحی- روانی شدت می‌گیرد و به نوعی جانِ عشق و محبت به تشویش‌های آن است. زلیخا در راه عشق رنج کشید و اضطراب‌ها را تحمل کرد:

ای دل از محنت دوران به محبت بگریز که به اقبال هما بال و پری دارد عشق
(همان: ۴۱۸)

عشق به اندازه پرنده هما اقبال، ارزش و بها دارد و تنها داروی تحمل سختی محنت و رنج روزگار، محبت و عشق است.

چون شعله ز اخگر می‌شود عشق از جنون انگیخته چو بود محبت چیست دل؟ جانی به خون آمیخته
(همان: ۴۸۲)

عشق و محبت با دل عجین و آمیخته شده است کسی که عشق و محبت ندارد، دل ندارد دل افسرده غیر از آب و گل نیست.

بشارت می‌دهد جذب محبت پیر کنعان را که باد مصر می‌آرد دواى دیده اعمى
(همان: ۴۹۲)

شاعر تنها داروى شفای چشم پیرکنعان (يعقوب) را محبت يوسف می‌داند و محبت عاملی
است که زندگى دوباره به پیر کنعان می‌دهد.

نه رنگ و بوى گلم فرش این گلستان کرد که مهربانى خارم شده است دامن گیر
(همان: ۵۳۳)

محبت است که دامنگير شاعر شده است و او را در آن جایگاه و سرزمین ماندگار کرده است
و از نظر شاعر گل و برگ و زیبایی‌های طبیعى باعث ماندگارى او نشده است.

ب- در شعر غنى کشميرى مضامين عرفانى شامل: احسان و پاکی روح می‌شود.
بسامد این موارد در دیوان وی بدین گونه است:

مضامين عرفانى در شعر غنى کشميرى

۲۹	جمع کل موارد مذکور	۱۲	پاکی روح	۱۷	احسان و بخشش
----	--------------------	----	----------	----	--------------

بخشش در لغت به معنی «دادن چیزی به کسی، بدون دریافت چیزی است.» (انوری، ۱۳۸۱: ذیل اخلاق) و «برای بخشنده سزاوار است که چون انگیزه خیرى در درونش پدید آید و به دلش بگذرد که مالی در راه خدا بدهد، فرصت را غنیمت شمرده و هر چه زودتر فرمان درونى خود را به جای آورده و در خوشدل کردن بینوایان شتاب ورزد؛ زیرا که (اولاً) در زمانه موانع خیرات بسیار است و در تأخیر آفات رخ می‌نماید و باید بدانند که پیدایی انگیزه خیر در دل اندیشه‌ای از الهام فرشتگان است و این حالت به زودى دگرگون می‌شود و شیطان او را از فقر می‌ترساند و اندیشه بد القا می‌کند.» (نراقی، ۱۳۶۷: ۲۲۳)

دیدگاه انسان دوستانه غنى کشميرى، آدمى را به کمک و دستگیرى از فقرا و نیازمندان دعوت می‌کند. وی در خلال طرح این موضوع انسان را همزمان به تمتع و بهره‌ورى از نعمت‌ها نیز توصیه می‌کند و آن را عملی می‌داند که در نتیجه آن فواید زیادى نصیب انسان خواهد شد.

از همره خویش گر جفا بردارى هر گام ازو فائده‌ها بردارى
در راه سلوک دستگیر تو شود آن را که ز خاک چون عصا بردارى
(غنى کشميرى، ۱۳۶۲: ۱۸۵)

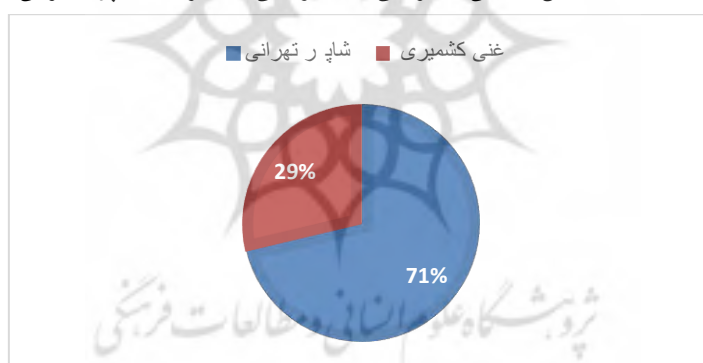
کسب زندگی جاوید و ثواب آخرت از نظر غنی، بخشش و استفاده از فرصت‌هایی است که برای انسان وجود دارد؛ زیرا ابر رحمت الهی زمین وجود بخشندگان را فراموش نخواهد کرد از این روی سفارش می‌کند تا به خاطر ترس از تنگی قبر باید دستی بخشنده و سخی داشت تا در سرای دیگر همنشین پیامبران و نیکان بود:

اندیشه گر ز تنگی گورت بود غنی در زندگی ز خاک برآور خزانه را
(همان: ۶)

همچنین نمی‌پسندد تا دست خویش را در برابر فرد بخشنده‌ای دراز کند. از این روی می‌خواهد قانع باشد و به نان خشکی بسازد:

از نم احسان کس دست طلب را تر مکن آبرو خواهی به نان خشک چون آئینه ساز
(همان: ۱۱۷)

بسامد مضامین تعلیمی - عرفانی در شعر غنی کشمیری و شاپور تهرانی



۱-۲-۲- مضامین تعلیمی - فلسفی

الف - در شعر شاپور تهرانی مضامین فلسفی شامل شکایت از روزگار، گذرا بودن عمر،

اغتنام فرصت، بی‌اعتباری و بی‌وفایی دنیا و پرهیز از غفلت می‌شود.

مضامین فلسفی در شعر شاپور تهرانی

شکایت از روزگار	۵۱	پرهیز از غفلت	۱۰	جمع کل	۸۳
بی‌اعتباری دنیا	۱۳	اغتنام فرصت	۹		

شکوه از روزگار در اشعار شاپور تهرانی با بسامد ۵۱ مورد دیده شد. وی به چرخ صفات کج پلاس (شاپور تهرانی، ۱۳۸۲: ۱۵۱)؛ دون (همان: ۱۵۴)؛ جفا پیشه (همان: ۲۱۷)؛ ویرانه (همان: ۳۲۳) و ... را نسبت می‌دهد.

شاپور تهرانی می‌گوید نباید از روزگار توقع یکرنگی داشت؛ زیرا روزگار دو رنگ و دو روست. این روزگار مانند کارخانه است که حتی گل را دو رو می‌کند:

یکرنگی آرزو مکن از وضع روزگار کاین کارخانه‌ای است که گل را دو رو کند
(همان: ۳۶۳)

در بیتی دیگر شاعر گذشت روزگار و سختی‌های آن را اینگونه توصیف می‌کند: جسم در اثر گذشت روزگار به کمانی خشک بدل می‌شود که پس از مدتی دیگر هیچ حرکتی نخواهد داشت.

تم از روزگار شد چو کمان روزگاری شود کمانی خشک
(همان: ۴۱۸)

روزگارم را به سختی می‌گذرانم به حلدی که همچون پرنده‌ها شده‌ام و روزگار همچون مرغ‌ها به من روزی می‌رساند و لقمه‌ روزی که به من می‌دهد پر از استخوان است در حقیقت هر لقمه که روزگار به من می‌دهد با رنج و عذاب همراه است.

طبع‌ها گرفته‌ام از بس که روزگار هر لقمه‌ام که می‌دهد از استخوان پر است
(همان: ۱۹۴)

بی‌کسی و تنهایی شاعر، در بیت زیر این‌گونه توصیف شده است؛ که همدل و یاری نیست که شکوه‌های زمانه و روزگار را برای او بازگو کند و تسکین یابد. چرخ کج پلاس روزگار، بد کردار و نیرنگ باز می‌باشد که مصائب زیادی را به شاعر تحمیل کرده است:

بَر که درد دل خود برم نمی‌دانم هاست از این چرخ کج پلاس مرا که شکوه
(همان: ۱۵۱)

ب- در اشعار غنی کشمیری مضامین فلسفی شامل: بی‌اعتباری دنیا، اختتام فرصت، گذرا بودن عمر و پرهیز از غفلت می‌شود.

مضامین فلسفی در شعر غنی کشمیری

بی‌وفایی دنیا	۴۵	اغتنام فرصت	۸	پرهیز از غلفت	۸	جمع کل	۷۳
گذرا بودن عمر	۱۲						

دنیا صحنه نمایش چیزهایی است که چشم می‌بیند و دل می‌خواهد اما این صحنه‌ها لحظه به لحظه با آمدن چیزهای تازه تجدید می‌شوند و دل خواهان همه آن‌هاست. در حالی که مجال بهره‌مندی از آن‌ها وجود ندارد. غنی کشمیری نیز به این اصل دست یافته است و این آموزه در ابیات وی چندین بار تکرار شده است.

قطراتی که از شمع در اثر سوختن حاصل می‌شود از دیدگاه شاعران همچون قطرات اشک است و بیان حال گریه کردن و از سوئی درخشش شعله شمع نماد خنده‌رویی و شادی شمع است از این روی شاعر، شادی و غم روزگار را نیز هم‌چون حال شمع در حال سوختن می‌داند که گاهی همچون گریه و گاه همچون خنده صبح است.

مدت شادی و غم نیست برابر به جهان گریه شمع شبی خنده صبح است دمی (غنی کشمیری، ۱۳۶۲: ۱۶۵)

گنج در زیر خاک مدفون و پنهان، یقیناً قابل استفاده نیست. شاعر عدم آسایش در این سرای را نیز با گنجی مدفون مقایسه می‌کند که گرچه گنج پربهاست و ارزشمند، اما چون در دسترس نیست پس عملاً سودی ندارد و طلب آسایش در این دنیای فانی از نظر شاعر هم‌چون گنج مدفونی است که قابل دسترسی نیست:

بر روی زمین هیچکس آسوده نباشد گنجی بود آرام که در زیر زمین است (همان: ۴۲)

شفق، وقتی از شبانه روز است که سرخی آن پایدار نیست و شب سیاه را در پی دارد؛ بدین خاطر شاعر می‌گوید به این گردون نباید اعتماد داشت؛ چراکه همچون سرخی شفق است. سرخی، اگرچه نماد شادی و خوشی است اما سرخی شفق با سیاهی شب توأم است و باید انتظار سختی و سیاهی داشت و روزگار از آغاز با چنین بی‌اعتمادی برپا شده است:

اعتمادی نیست بر گردون که در وقت بنا ریخت معمار قضا رنگ از شفق این خانه را
(همان: ۱۳)

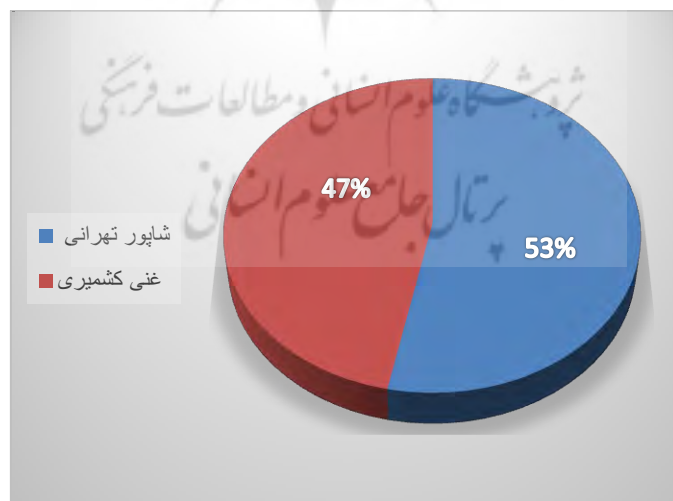
احول، دوبین است یعنی کسی که دو برابر می‌بیند. دنیا نیز از نظر شاعر برای اهل پندارهای
غلط و اشتباه همچون دیدن شخص احوال است که آنچه واقعیت دارد را نمی‌بیند و تصوّرات او
باعث می‌شود دنیا را بزرگ ببیند:

دنیا بزرگ باشد در دیده غلط بین اندک بچشم احوال بسیار می‌نماید
(همان: ۹۸)

سواری که بر زین نشسته است اگر در نهایت خستگی هم باشد نمی‌تواند خوابی قرین با
آرامش بر روی زین داشته باشد؛ بدین خاطر گذران بودن جهان و بی‌ثباتی و بی‌وفایی آن را شاعر
به این حالت اسب سوار تشبیه نموده است. و توصیه می‌کند در این جهان گذارن فراغت و آسایش
نصیب کسی نمی‌شود همچون سواری که بر روی زین نمی‌تواند به خواب رود و هرآن ممکن
است از راه به بیراهه رود یا حتی به پرتگاهی گرفتار شود:

این جهان گذران جای فراغت نبود خواب در خانه زین کس نتواند کردن
(همان: ۱۵۷)

بسامد مضامین فلسفی در شعر غنی کشمیری و شاپورتهرانی



۳- نتیجه

نتیجه بحث این است که هر دو شاعر ضمن توجه به جنبه‌های هنری شعر، پیام‌های اخلاقی خویش را ابراز می‌دارند؛ به همین دلیل ظرفیت‌های هنری و زیبایی در اشعار آنان به حدی است که هیچ‌گاه مخاطب از تعلیمات و پندهای آنان ملول نمی‌شود و بدین‌گونه در امر تعلیم به شیوه غیرمستقیم مؤفق گردیده‌اند. زبان این دو شاعر در مواجهه با مفاصل اجتماعی به ویژه ریاکاری، تند، گزنده و مستقیم می‌شود. محتوای تعلیمی شعر شاپور تهرانی و غنی کشمیری در سه دسته کلی مضامین فلسفی، عرفانی و اخلاقی جای می‌گیرند؛ و هر دو شاعر توانسته‌اند از طریق ادبیات تعلیمی و بیانی هنرمندانه و استفاده از شگردهای ادبی و تاثیرگذار اهم مفاهیم مورد نظر خود را به مخاطبان انتقال دهند؛ البته شاپور تهرانی نسبت به غنی کشمیری، فراوانی بیشتری در سه دسته مضامین اخلاقی (۵۴٪)، مضامین عرفانی (۷۱٪) و مضامین فلسفی (۵۳٪) را به خود اختصاص داده است. و بسامد هر یک در دیوان غنی کشمیری عبارتند از: مضامین اخلاقی (۴۶٪)، مضامین عرفانی (۲۹٪) و مضامین فلسفی (۴۷٪).

۴- منابع

- ۱- اسمایلز، سموئیل، اخلاق، ترجمه محمد سعیدی، تهران: بنگاه مطبوعاتی، ۱۳۴۶.
- ۲- انوری، حسین، فرهنگ بزرگ سخن، دوره هشت جلدی، چاپ اول، تهران: سخن، ۱۳۸۱.
- ۳- بیکی، شکرالله؛ نوروزی، زینب؛ بهنام‌فر، محمد، «مضامین اخلاقی در غزلیات نزاری قهستانی»، مجموعه مقالات همایش ملی شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، ۱۳۹۳.
- ۴- تهرانی، شاپور، دیوان، تصحیح و تحقیق یحیی کاردگر، تهران: مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۵- حسینی کازرونی، سیداحمد؛ کمالی پانیانی، محمدرضا، نگرشی به تمثیل در ادبیات تعلیمی، فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، شماره ۲۶، صص ۱۵۴-۱۳۳، ۱۳۹۴.
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۷- رامپوری، غیاث الدین محمد بن جلال الدین بن شرف الدین، غیاث اللغات، به کوشش منصور ثروت، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.

- ۸- رحیمی، سیدمهدی؛ عرب‌پور، علی‌محمد، «بررسی و تحلیل آموزه‌های اخلاقی در دیوان نزاری قهستانی»، مجموعه مقالات همایش ملی نقد و تحلیل زندگی، شعر و اندیشه حکیم نزاری قهستانی، صص ۱۱-۴، ۱۳۹۳.
- ۹- رزمجو، حسین، انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۱۰- رضی، احمد، کارکرد های تعلیمی ادبیات، پژوهش نامه ادبیات تعلیمی، دانشگاه آزاد واحد دهقان، شماره ۱۵، صص ۹۷-۱۲۰، ۱۳۹۱.
- ۱۱- شفیع‌کدکنی، محمدرضا، با چراغ و آینه، تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- ۱۲- شمیسا، سیروس، انواع ادبی، تهران: فردوس، ۱۳۷۳.
- ۱۳- طوسی، نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۴.
- ۱۴- عرفانی، عبدالحمید، تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر، چاپ دوم، تهران: انتشارات کتابفرشی ابن سینا، ۱۳۳۵.
- ۱۵- کشمیری، غنی، دیوان، به کوشش احمد گرمی، تهران: نشریات ما، ۱۳۶۲.
- ۱۶- کیانی، سمیه؛ بختیار نصرآبادی، حسنعلی، «اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی»، نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی. سال نوزدهم، شماره ۱۲، صص ۹۴-۶۵، ۱۳۹۰.
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۰، چاپ دوم، انتشارات مکتبه السلامیه، ۱۳۳۵.
- ۱۸- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ دوم، قم: انتشارات الزهراء، ۱۳۶۴.
- ۱۹- مشرف، مریم، جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران، تهران: علمی، ۱۳۸۹.
- ۲۰- نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، تذکره نصرآبادی، به کوشش احمد مدقق یزدی، یزد، ۱۳۷۹.
- ۲۱- نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، چاپ اول، انتشارات دلشاد، ۱۳۷۳.
- ۲۲- نراقی، ملا محمد مهدی، جامعه السعادت، علم اخلاق اسلامی، ترجمه سید جلال الدین مجتبی، چاپ اول، تهران: حکمت، ۱۳۶۷.